

پایه:	۹	موضوع:	فقه ۴
تاریخ:	۹۴/۰۵/۱۷	ساعت:	۱۰:۳۰

نام کتاب: مکاسب، از القول فی شرائط العوضین تا اول فیاارات

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## تستی

۱. لو تبرأ البائع من العيب فيما لا قيمة لمكسوره فالحكم بماليت المبيع شرعاً و عرفاً ..... و تمولّ العوضين واقعاً ..... أ ۳۰۲
  - أ. حكم ظاهري - شرط واقعي
  - ب. حكم واقعي - شرط علمي
  - ج. شرط علمي - حكم ظاهري
  - د. حكم ظاهري - شرط علمي
۲. على القول ببقاء الوقف على ملك الواقف في الوقف المنقطع فبيع الوقف ..... ب ۱۰۲
  - أ. جائز للموقوف عليهم
  - ب. غير جائز للموقوف عليهم
  - ج. جائز للواقف لكونه ملكاً له
  - د. غير جائز للواقف لمنافاته لحق البطون
۳. قوله ﷺ: «لا تلقّ ولا تشتر ما يتلقّى ولا تأكل منه» ..... د ۳۵۱
  - أ. يحمل على الحرمة و الفساد
  - ب. يحمل على الحرمة لا الفساد
  - ج. يحمل على الفساد لا الحرمة
  - د. لا يحمل على الحرمة و لا على الفساد
۴. لو فرضنا أنّ البايع بعد ما باع صاعاً من الجملة باع من شخص آخر صاعاً كلياً آخر [ولم نقل بالإشاعة] فالظاهر أنّه إذا باقى صاع واحد ..... ج ۲۶۰
  - أ. كان للبايع اختيار أيهما شاء
  - ب. كان للبايع وليس للمشتري فيه حق
  - ج. كان للأول؛ لأنّ الكلي المبيع ثانياً هو ما عدا الصاع من الصبرة
  - د. كان لهما مشتركا؛ لأنّ المبيع في البيع الأوّل والثاني كلي

## تشریحی

- \* قد يستدلّ على جواز بيع الوقف في صورة أدائه الى الخراب بأنّ بقاء الوقف على حاله و الحال هذه إضاعة و اتلاف، و هو منهيّ عنه شرعاً، فيكون البيع جائزاً. و لعلّه (المستدلّ) أراد الجواز بالمعنى الأعمّ، فلا يرد عليه أنّه يدلّ على وجوب البيع. ۹۰
۱. استدلال و اشكال و پاسخ آن را توضیح دهید.

**استدلال: ابقای وقف و عدم بیع آن اتلاف مال است و اتلاف مال حرام است پس عدم بیع آن حرام است و این یعنی بیع آن جایز است.**  
**اشکال: نتیجه این دلیل وجوب بیع است نه جواز آن؛ زیرا وقتی که عدم بیع حرام شد خود بیع واجب می‌شود.**  
**جواب: مراد مستدلّ از جواز که مدعا و نتیجه دلیل است، جواز بالمعنى الأعمّ است که شامل وجوب هم می‌شود.**

- \* إذا باع أو اشترى برؤية قديمة فانكشف التغيّر تخيّر المغبون لقاعدة الضرر و لأنّ الصفات المنبئ عليها في حكم الصفات المشروطة فهي من قبيل تخلف الشرط. ۲۷۲
۲. دو دلیل مذکور بر مدعا را تقریب کنید.

**دلیل اول: لزوم معامله با وجود تغيّر ضرر بر مغبون است و قاعدة نفی ضرر لزوم معامله را نفی می‌کند که نتیجه تخيیر است. دلیل دوم: متعاقدان بیع را بر صفات مرثیه بنا کردند و بناء متعاقدان به منزلة اشتراط بر آن صفات است و تغيّر به منزلة تخلف شرط است که موجب خیار می‌شود.**

- \* لو رضی الموجود بالاتجار بثمان الوقف و كانت المصلحة في التجارة جاز مع المصلحة إلى أن يوجد البدل و الربح تابع للأصل و لا يملكه الموجودون لأنّه جزء من المبيع و ليس كالنماء الحقيقي. ۷۰
۳. أ. مراد از «اصل» چیست؟ ب. چرا ربح مختص به موجودین نیست؟

أ. مراد از «اصل» مبدل و عین موقوفه است. ب. چون ربح در اینجا جزء مبیع و عین موقوفه است و عین موقوفه متعلق به همه بطون است نه بطن موجود و لذا حکم نماء حقیقی را ندارد.

\* فی مرسله ابن بکیر عن رجل: «سأل أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يشتري الجص فيكيل بعضه و يأخذ البقية بغير كيل فقال إما أن يأخذ كله بتصديقه و إما أن يكيه كله». و المنع من التبعض المستفاد منه ارشادی محمول علی آنه إن صدقه فلا حاجة إلى كلفة كيل البعض و إنا فلا يجزى كيل البعض و يحتمل الرواية الحمل علی استيفاء المبيع بعد الاشتراء. ۲۱۳

۴. عبارت «فإن المنع...» اشاره به چه مطلبی دارد؟ توضیح دهید.

عبارت در مقام دفع توهم مقدر است. توهم این است که روایت ربطی به اشتراط علم به مقدار مضمن حین العقد ندارد بلکه امام عليه السلام نهی از کیل فرمودند.

جواب از توهم: نهی از تبعض ارشادی است نه مولوی؛ زیرا امام عليه السلام می فرماید: اگر بایع را تصدیق کردی نیازی به پیمانه بعض نیست و اگر تصدیق نکردی پیمانه کردن بعض کفایت نمی کند. و احتمال هم دارد که روایت مربوط به این است که مشتری به صورت کلی فروخته و بعد از شراء در مقام استيفاء پیمانه می کند.

\* إنما الكلام في أن بيع الراهن للعین المرهونة هل يقع باطلاً من أصله أو يقع موقوفاً علی الإجازة فظاهر عبارات جماعة الأول إلا أن صريح المتأخرين هو كونه موقوفاً و هو الأقوى للعمومات السليمة عن المخصّص لأنّ معقد الإجماع و الأخبار الظاهرة في المنع هو الاستقلال كما يشهد به عطف «المرتهن» علی «الراهن» مع وقوع تصرف المرتهن موقوفاً. ۱۵۳-۴

۵. أ. مراد از عمومات چیست؟ مفاد آن را بیان کنید ب. مراد از استقلال چیست؟ وجه شهادت را توضیح دهید.

أ. عمومات: أحلّ الله البيع. - مفادش این است که بیع از مالک صحیح است چه مبیع در رهن باشد یا منفک باشد.

ب. استقلال: یعنی متوقف بر اجازه نباشد. وجه شهادت: اینکه «مرتهن» بر «راهن» عطف شده، سیاق اقتضاء می کند که حکم هر دو واحد باشد و چون عقد مرتهن باطل نیست بلکه موقوف بر اجازه است، پس عقد راهن نیز چنین است.

\* احترزوا باعتبار الملكية عن الأرض المفتوحة عنوة. و وجه الاحتراز عنها أنها غير مملوكة للملاكها علی نحو سائر الأملاك و لذا لا يورث بل و لا من قبيل الوقف الخاص علی معنيين لعدم تملكهم للمنفعة مشاعاً بل معناها صرف حاصل الملك في مصالح الملاك. ۱۱

۶. فرق بین ملکیت در وقف خاص و «اراضی المفتوحة عنوة» و وجه عدم صحت بیع «اراضی المفتوحة عنوة» را بیان کنید.

ملکیت در وقف خاص به نحوی است که موقوف له منافع عین را مشاعاً مالک می شود ولی در مفتوحة العنوة، منافع اراضی را مالک نمی شود. وجه عدم صحت بیع این است که بایع بر عین و منفعت سلطنت داشته باشد که در اراضی مفتوحة العنوة مفقود است.

\* إذا اشترى ما يفسده الاختبار من دون اختبار وتبين فساد المبيع فإن كان قبل التصرف فيه بالكسر ونحوه فإن كان لفاصده قيمة كالجوز تخير بين الرد والأرش ولو فرض بلوغ الفساد إلى حيث لا يعدّ الفاسد من أفراد ذلك الجنس عرفاً كالجوز الأجوف الذي لا يصلح إلا للإحراق فيحتمل قوياً بطلان البيع.

۷. دو فرع مذکور در عبارت و دلیل بطلان فرع دوم را توضیح دهید. ۲۹۶

اگر چیزی را که با امتحان فاسد می شود بخرد و قبل از تصرف معلوم شود فاسد است مثلاً گردو بخرد و قبل از شکستن معلوم شود فاسد است این فساد دو جور است: یک وقت کالای فاسد از افراد جنس خریداری شده محسوب می شود مثلاً مغز گردو سیاه باشد، در این صورت خیار ثابت می شود بین رد و ارش. و یک وقت فساد به حدی است که فاسد از افراد آن جنس شمرده نمی شود مثلاً گردو پوچ باشد که دیگر گردو حساب نمی شود بلکه هیزم حساب می شود، در این صورت بطلان بیع قویاً محتمل است. زیرا آنچه که بیع بر آن واقع شده است جنسی غیر از آن چیزی است که اعطاء شده و آنچه که اعطاء شده بیع بر او واقع نشده.

\* وحيث إن الأصل في المعاملات الفساد فالمكلف إذا أراد التجارة وبني على التصرف فيما يحصل في يده من أموال الناس على وجه العوضية يحرم عليه ظاهراً الإقدام على كل تصرف منها بمقتضى أصالة عدم انتقاله إليه إلا مع العلم بامضاء الشارع لتلك المعاملة. ٣٤٠

٨. مدعا و دليل آن را توضيح دهيد.

اصل اوليه در باب معاملات اصالة الفساد است، لذا مرجع در هر معامله مشکوک الصحة اين اصل است، به همين جهت مكلف اگر ارادة معامله صحيح دارد (يعنى مى خواهد مالک عوضى شود که در اين معامله به او منتقل مى شود) بايد از هر معامله اى که در امضاء شارع شک دارد اجتناب کند (چون مرجع در معامله هاى مشکوک اصالة الفساد است) و در صورت اقدام به معامله مشکوک به مقتضای اصل، حکم به فسد ظاهري معامله مى گردد.

\* اذا اشترى اعتماداً على إخبار البائع بالمقدار و تبين الخلاف بالنقيصة تخير المشتري بين الفسخ والإمضاء بل في جامع المقاصد احتمال البطلان، كما لو باعه ثوباً على أنه كتان فيبان قطعاً ثم ردّ بكون ذلك من غير الجنس وهذا منه وإنما الفأنت الوصف. ٢٤١

٩. احتمال مذکور در جامع المقاصد را همراه با وجه رد آن بنويسيد.

(در جامع المقاصد به عنوان احتمال مطرح شده است که) ممکن است در صورت تبين نقيصه، بيع باطل باشد؛ مثل اینکه لباسی را به عنوان کتان بخرد بعد معلوم شود که لباس از جنس پست تری مثل پنبه باشد؛ سپس خود محقق کرکی (ره) این احتمال را رد کرده است به اینکه بطلان در مثال مذکور، به خاطر انکشاف نقيصه نیست بلکه به خاطر تغایر جنسی بین مبيع و شیء موجود است؛ به خلاف مورد مباحث ما که مبيع و شیء موجود تفاوت در جنس ندارند بلکه شیء موجود از همان جنس مبيع است ولی فاقد وصفی از اوصافی است که بايع خبر داده بود.